



سایت "انجمن حفاظت در برابر اشعه‌ی ایرانیان" مکان مناسبی است برای پیش‌نهاد معادل‌های فارسی برای واژه‌های بیگانه. خوشحال‌ام که مدیران این انجمن به من فرصت داده‌اند تا در این زمینه، که علاقه‌ی من است، فعالیت کنم. البته آن چه که به تدریج در این جا خواهم نوشت نظرات شخصی، و مسئولیت‌اش نیز برعهده‌ی خود من است. خوش حال می‌شوم اگر خوانندگان این صفحات را نقد کنند و به نشانی زیر بفرستند. **ayoubbanoushi@yahoo.com** ایوب بنوشی

۱- هسته (سلول یا اتم) Nucleus

واژه‌ای لاتین است به معنای هسته Nuclei. جمع آن است به معنای هسته‌ها.

۲- هسته‌ها Nuclei

۳- هسته‌نشین Nucleon

واژه‌ی "هسته" به جای "nucleus" کاملاً پذیرفته شده است. با وجود این، هنوز در بسیاری از متن‌ها برای "nucleon" معادلی نوشته نمی‌شود. فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز آن را همان نوکلئون می‌گوید و آن را چنین تعریف می‌کند: (<http://www.persianacademy.ir/fa/word/>):
واژه نام عام همه‌ی ذره‌هایی است که درون هسته‌ی اتم جادارند "nucleon". یا پروتون است یا نوترون. باتوجه به این ویژگی‌ها، واژه‌ی "هسته‌نشین" به جای nucleon مناسب به نظر می‌رسد.

۴- هسته‌گونه Radionuclide

"nuclide"، که نخستین بار در سال ۱۳۲۶ ه. (۱۹۴۷ م.) توسط T. P. Kohman پیش‌نهاد شد، با nucleus به معنای هسته و نیز ایزوتوپ متفاوت است "nuclide". طبق تعریف یک گونه‌ی اتمی است که با عدد اتمی، عدد جرمی، و حالت انرژی هسته‌ای‌اش مشخص می‌شود؛ به شرطی که عمر میانگین‌اش در این حالت آن قدر باشد که بشود مشاهده‌اش کرد. (IUPAC Compendium of Chemical Terminology, 2nd ed., 1997) باتوجه به این تعریف و هم‌خانواده‌بودن "nuclide" با nucleus؛ معادل "هسته‌گونه" برای آن مناسب است.

۵- هسته‌گونه‌ی پرتوزا Radionuclide

هسته‌گونه‌ای که خاصیت پرتوزایی دارد.

۶- مواجهه، پرتوگیری، پرتودهی (کمیت) Exposure

واژه‌ی exposure در نوشتگان حفاظت پرتوی در سه معنای فوق به کار می‌رود.

عام‌ترین معنای exposure مواجهه است که نه تنها برای پرتو، بلکه برای دیگر عوامل خطر- آفرین نیز به کار می‌رود؛ برای نمونه، مواجهه با مواد شیمیایی.

واژه‌نامه‌ی ایمنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA safety glossary - 2007) exposure را چنین تعریف می‌کند:
"گُش یا وضعیّت در معرض تابش بودن ...".

در این معنا، **exposure** معادل پرتوگیری و به معنای مواجهه با تابش است.

exposure به معنای پرتودهی کمیّتی فیزیکی است که برای سنجش میدان‌های تابش ایکس یا گاما به کار می‌رود. این پرتوها از جنس فوتون هستند و، برخلاف تابش آلفا یا بتا، اندازه‌گیری مستقیم‌شان ممکن نیست. به این دلیل، آن‌ها را برحسب بارهای الکتریکی‌ای که در اثر برخورد با اتم‌های هوا (متداول‌ترین محیط برای انتشار تابش) ایجاد می‌کنند می‌سنجند. پرتودهی یک میدان تابشی یعنی مقدار بار الکتریکی‌ای (شمار یون‌های تولیدی ضرب در 1.6×10^{-19} که میدان به واسطه‌ی یون‌سازی در حجم یا جرم مشخصی از هوا تولید می‌کند. این کمیّت برحسب کولن بر کیلوگرم هوا (C/kg_{air})، که آن را یکای پرتودهی گویند، یا استات کولن بر سانتی‌متر مکعب هوا (در شرایط متعارف)، که آن را رونتگن (R) گویند سنجیده می‌شود.
 $1 R = 2.58 \times 10^{-4} C/Kg_{air}$ است.

۷- دریافت Intake

در واژه‌نامه‌ی ایمنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA safety glossary – Revision 2016) **intake** واژه‌ی این گونه معنا شده است:

۱- عمل یا فرایند ورود هسته‌گونه‌های پرتوزا به بدن از راه تنفس، بلع، یا جذب پوستی؛

۲- **فعالیت (activity)** یک هسته‌گونه‌ی پرتوزای واردشده به بدن در یک دوره‌ی زمانی مشخص، یا در اثر یک رخداد. توجه کنید که دریافت در تعریف نخست یک فرایند است اما در تعریف دوم یک کمیّت قابل سنجش. دریافت اصطلاحی است که برای همه‌ی انواع آلودگی‌ها به کار می‌رود و دومین مرحله از مراحل چهارگانه‌ی است که دُز دریافتی اندام‌ها و کل بدن را تعیین می‌کند:

مواجهه (**exposure**) ← دریافت (**intake**) ← برداشت (**uptake**) ← دُز (**dose**)

دریافت ممکن است حاد (**acute**) یا مزمن (**chronic**) باشد. دریافت حاد دریافتی است که به قدری سریع اتفاق می‌افتد که می‌شود برای ارزیابی دُزهای دریافتی آنی به حساب اش آورده؛ درحالی که دریافت مزمن دریافتی است که به تدریج اتفاق می‌افتد و حتا ممکن است سال‌ها ادامه یابد.

۸- برداشت Uptake

موانع جذب عبارت‌اند از پوست مجرای گوارشی و سطح ریه